



عمومی برای تصمیم گیری حول مساله یا مسائل مشخص یک کشور می باشد، نمی تواند مورد اعتراض و نقد هیچ نیرویی قرار گیرد. اما در یک برخورد مشخص، بحث اساساً بر سر شرایطی است که قرار است این رفراندوم در آن برگزار شود. آنچه که از فراخوان رفراندوم مورد بحث در اینجا برمی آید این است که رفراندوم چی های ما در شرایط بقای جمهوری اسلامی، می خواهند این رژیم را وادار کنند که "با نظارت نهادهای بین المللی" به "همه پرسی ای" تن دهد که هدف آن تشکیل "مجلس موسسان به منظور تدوین پیش نویس یک قانون اساسی نوین" می باشد.

صفحه ۲

"رفراندوم"

شعاری برای فریب مردم!

اصلاح طلب، با کینه توزی برعلیه ایده های انقلابی و سرنگونی طلبانه توده ها از هیچ تلاشی برای به انحراف بردن و منکوب کردن جنبش اعتراضی و رادیکال دانشجویان، کارگران و زنان و ... به منظور سرنگونی "حکومت استبدادی دینی" و "براندازی ساختارهای کنونی" خودداری نکردند، اکنون چگونه و چرا تازه دریافته اند که "با وجود قانون اساسی و ساختار کنونی، امکان اصلاح کشور در هیچ جهتی متصور نیست". مگر همین مردم ایران که اکنون مخاطب این "فراخوان" قرار گرفته و نویسندگان فراخوان، خواهان جمع آوری "آراء" آنها شده اند، در طول ۲۶ سال گذشته و به ویژه ۸ سال اخیر هر جا که فرصتی به دست آورده اند، با فریاد رسای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خاتمی"، "خامنه ای حیا کن، سلطنت را رها کن!"، رأی و نظر واقعی خود را در مورد "تنها راه قطعی" حل "بحران" جامعه ما به نمایش نگذارده اند؟ چرا، این چنین بوده است. اما باید دانست که افراد مورد بحث، کسانی هستند که به توده هایی که در آن زمان (و هم اکنون) فرسنگ ها از آنان جلوتر بودند و درست ترین راه حل ها را "برای رفع بحران" البته به نفع اکثریت آحاد جامعه، ارائه می دادند، راجع به مضرات "انقلاب" و "سرنگونی" و از مزایای "اصلاح" داد سخن می دادند و دنبال جنبش مردم را نگرفتند. اما اکنون همین افراد می خواهند تا توده هایی را که شعارها و خواست هایشان بسیار فراتر از یک "همه پرسی" صرفاً جهت اصلاح قانون اساسی است را با شعار "رفراندوم" به دنبال خود روان کنند.

بدون شک هنگام بررسی شعار رفراندوم، این شعار تا آنجا که به معنای رجوع مسالمت آمیز به افکار

انتشار "فراخوان ملی برگزاری رفراندوم" با امضای ۸ تن که خود را "فعالان فرهنگی و سیاسی" نامیده اند، در هفته های اخیر به بحث های گسترده و تبلیغات وسیعی در میان افراد و نیروهای مختلف دامن زده است. امضاءکنندگان فراخوان که اکثر آنها در ۸ سال گذشته از فعالین طیف های مختلف اصلاح طلبان ۲ خردادی بوده اند و برخاسته از همان دوران نوجوانی شان، چه در پست های دولتی و چه غیردولتی در تحکیم پایه های حکومت ضدخلقی کنونی نقش های مهمی آفریده اند، اکنون در فراخوان خویش، با اذعان به ۲۶ سال تداوم "بحران" در نظام جمهوری اسلامی و "به ویژه ۸ سال گذشته" عنوان می کنند که به مثابه "تنها یک راه حل قطعی برای رفع این بحران" باید "حکومتی دموکراتیک بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر" جایگزین جمهوری اسلامی شود. برای نیل به این هدف، امضاءکنندگان فراخوان خواهان "برگزاری یک همه پرسی با نظارت نهادهای بین المللی" و با "رأی آزاد" مردم شده و سائیتی را هم با نام "۶۰ میلیون، دات کام" برای جمع آوری امضاء و حمایت، به راه انداخته اند.

البته در فراخوان رفراندوم، آنها به هیچ وجه توضیح نمی دهند و روشن نمی کنند که چگونه شد که امضاءکنندگان این فراخوان که به ویژه در ۸ سال گذشته اکثراً از همکاران و آتش بیاران معرکه "گفتمان اصلاحات" و افسانه اصلاح پذیری جمهوری اسلامی در چارچوب همین نظام ضدخلقی و پوسیده کنونی بوده اند، کسانی که در طول ۸ سال زمامداری خاتمی فریبکار در "دفتر تحکیم وحدت" و یا در رأس روزنامه های به اصطلاح

گسترش اعتراضات کارگری در سراسر ایران



کارگران زحمتکش ایران، تحت حکومت ضدخلقی رژیم جمهوری اسلامی که تمام هم و غمش حفظ منافع سرمایه داران زالوصفت وابسته در محیط های کار می باشد، امروز در یکی از بدترین اوضاع ممکن به سر می برند. آنان علیرغم شرایط کاری سخت و ساعات طولانی کار از دستمزد ناچیزی برخوردارند. شرایط فعلی کارگران، وخیم تر از سایر اقشار جامعه است و در این میان عقب افتادن حقوق کارگران و به دنبال آن، وضع روزمره قوانین ضدکارگری توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هر چه بیشتر به وخامت اوضاع زیست و معاش کارگران و خانواده هایشان منجر گردیده است.

صفحه ۲



شعاری برای فریب مردم!

اگر تنظیم کنندگان این فراخوان از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی می خواهند که به میل خودش به رفراندومی برای تغییر ساختارهای حکومت فعلی تن در دهد، طرح چنین چشم اندازی با توجه به ماهیت ضدخلفی این حکومت جز به معنی توهم پراکنی و عوامفریبی از سوی این ها هیچ معنی دیگری ندارد. فرض دیگر این که اگر حتی در شرایط خاصی چنین وضعیتی تحقق یابد، باید مطمئن بود که در آن شرایط، جنبش اعتراضی توده ها به آن چنان قدرتی در مقابله با جمهوری اسلامی دست یافته و رژیم ضدخلفی حاکم آن چنان در مقابل امواج جنبش انقلابی تضعیف شده که گردانندگان نظام حاکم برای جلوگیری از صدمه خوردن کلیت نظام ممکن است به هرگونه تمهیدی و از جمله قبول تغییر آرایش سیاسی و شکل رژیم حاکم برای توقف انقلاب توده ها و محدود کردن دامنه آن تن بدهند و بخواهند که همین ماشین دولتی ضدخلفی کنونی را با روغن کاری و بزک کردن بر جان و مال توده های تحت ستم دوباره حاکم گردانند. این تجربه ای ست که ما آن را در جریان سرنوشتی رژیم شاه و به قدرت رسیدن سلف آن، یعنی جمهوری اسلامی، نیز به عینه دیده ایم. حال ما دیگر زیاد به این امر نمی پردازیم که درج شرط "نظارت نهادهای بین المللی" در رفراندوم فرضی رفراندوم چی های کنونی (با توجه به ماهیت امپریالیستی این نهادها) جز به معنی تلاشی برای مشروعیت دادن به چنین تغییر قدرتی از بالا، نمی باشد. قید این "نظارت" در واقع تضمینی برای اطمینان از حفظ چارچوب نظام اقتصادی سیاسی ناعادلانه موجود و عدم انتقال قدرت سیاسی در پروسه ای دموکراتیک به نمایندگان واقعی توده های به پا خاسته ما است.

در رابطه با طرح اخیر "رفراندوم" باید به یک مورد دیگر که به نوبه خود به شناخت ماهیت و طرح این شعار کمک می کند نیز توجه کرد و آن شرایط و اوضاع و احوالی ست که شعار فوق در چارچوب آن طرح و حول آن وسیعا تبلیغ می گردد.

واقعیت این است که حکومت جمهوری اسلامی، همان گونه که رهبرانش نیز پنهان نمی کنند، در یک شرایط بحرانی به سر می برد. این رژیم در طول ۲۶ سال گذشته از یک سو به استثمار و غارت وحشیانه توده ها و به ویژه کارگران برای تأمین منافع امپریالیست ها و سرمایه داران بین المللی پرداخته و از سوی دیگر برای حفاظت از این روند سلطه گرانه، دیکتاتوری افسارگسیخته ای را در

تمام عرصه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سازمان داده و هر ندای مخالفی را وحشیانه سرکوب کرده است. تداوم این روند، به طور طبیعی خشم و نفرت عظیمی را در میان توده های محروم، کارگران، زنان و جوانان برعلیه حکومت دامن زده و انعکاس این نفرت و خشم توده ای هر روز به بهانه های مختلف، در قالب اعتراضات و اعتصابات کارگری و شورش های قهرآمیز، بسیجی کشی و عملیات مسلحانه و در گوشه و کنار کشور به منصفه ظهور می رسد.



شورش مردم در قائمشهر

از سوی دیگر، شکست و رسوائی "پروژه کلان اصلاحات" و افسانه "اصلاح پذیری" جمهوری اسلامی که مقامات رژیم به کمک خاتمی و دارودسته فریبکارش در طول ۸ سال گذشته کوشیدند با طرح آن و اشاعه توهم امکان وقوع دمکراسی و رفرم در شرایط سلطه یک دیکتاتوری وابسته، مبارزات توده ها را در چارچوب های حکومتی محصور و منحرف کنند و برای نظام ضدخلفی خویش مشروعیت و مقبولیت بخرند، حکومت را همچنان با خطر انفجار اعتراضات و مطالبات انبوه و تلنبار شده توده ای و بالنتیجه خطر گسترش شعله های انقلاب مواجه ساخته است. فراخوان "رفراندوم" با ادعای "تنها راه قطعی" حل "بحران"، خود در چنین شرایط بحرانی ای انتشار می یابد. و ما شاهدیم که چگونه و به سرعت حجم بزرگی از تبلیغات از جانب نیروها و افرادی با ماهیت طبقاتی مختلف (از مرتجعین و دشمنان شناخته شده خلق گرفته تا سازشکاران و فرصت طلبان و دوستان نادان خلق) در اطراف این مساله سازمان می یابد. به این ترتیب، در شرایطی که وظیفه هر نیروی واقعا انقلابی و آزادی خواه آن است که با توجه به اوضاع بحرانی جمهوری اسلامی ضمن اتکاء به مبارزات جاری و قهرمانانه مردم بکوشد این اعتراضات و مبارزات جاری را به بستر سرنوشتی انقلابی رژیم و و نابودی نظام حاکم کانالیزه کند، برداشتن علم "رفراندوم خواهی" آن هم با اتکاء به "نظارت نهاد های بین المللی" که جز مشتکی قدرت ها و سازمان های جهانخواهر امپریالیستی نیستند و سازمان دادن تبلیغات عوامفریبانه حول چنین

رفراندومی به مثابه "تنها راه قطعی" چیزی جز انحراف مبارزات توده ها و به هرز دادن انرژی آنها - با هر نیتی - نیست. موج اخیر "رفراندوم طلبی" در خدمت به پیشبرد مبارزات آزادی خواهانه مردم ما برای "تحقق عدالت اجتماعی" و "آزادی" قرار ندارد. برعکس، در شرایط کنونی، طرح این شعار مانعی در جهت تعمیق این مبارزات و تسریع به ثمر نشستن آن است. در حقیقت، کارزار "رفراندوم ملی" کنونی، با توجه به ماهیت نیروهایی که به دفاع از آن برخاسته اند، تداوم افسانه "اصلاح طلبی" جمهوری اسلامی و پرچمی ست که گرد آمدن در زیر آن تنها بر عمر این رژیم سرکوبگر ضدخلفی خواهد افزود. ■

(بقیه از صفحه ۱)

گسترش

اعتراضات کارگری

در سراسر ایران

به رغم اعمال یک دیکتاتوری خشن و انواع محدودیت ها از سوی رژیم جمهوری اسلامی در زندگی کارگران، اعتراضات و مبارزات کارگران تحت ستم برای نیل به حقوق ابتدائی و صنفی خویش هم چنان ادامه دارد. این مبارزات نتیجه طبیعی وضعیت موجود است. در وضعیت بسیار نابسامان اقتصادی و سیاسی حاکم بر زندگی کارگران، آنها زیر فشارهای فزاینده ی روانی و جسمانی قرار گرفته و تلاش می کنند تا با مبارزه و اعتراض شرایط نابسامان خویش را تعدیل و بهبود بخشند و به جزئی از حقوق به تاراج رفته خویش توسط سرمایه داران و کارفرمایان زالوصفت و رژیم حامی آنان، یعنی جمهوری اسلامی، دست یابند. در چنین شرایط بحرانی ای ست که ما شاهد تداوم گسترش اعتراضات کارگران در سراسر ایران هستیم. این اعتراضات در اشکال مختلفی جلوه می کند.

البته مبارزات و اعتراضات طبقه کارگر برعلیه شرایط رقتبار زیست و کار خویش، امروز تنها به یک کارخانه و یا یک شهر ختم نمی شود و ما شاهد اوج گیری این اعتراضات در سراسر ایران هستیم که برخی از این اعتراضات به شرح زیر می



تهیه نان خالی برای خانواده های محروم خود را نیز ندارند و به همین دلیل نان مصرفی خویش را از نانوائی مستقر در کارخانه به صورت نسیه می خرند. صاحب این کارخانه در شرایطی به تعطیلی کارخانه و بیکار سازی کارگران دست یازیده و موجبات گرسنگی کارگران و خانواده های آنان را موجب شده که در شهرستان های ممسنی و دزفول چند کارخانه دیگر را در تملک خود دارد. ■

تداوم مرگ "کارتن خواب ها" در تهران!



با شدت یابی سرمای زمستان در تهران در روزهای اخیر ۳ "کارتن خواب" دیگر در خیابان های تهران جان سپردند. به این ترتیب در شرایط فقر مطلق و بی سرپناهی تحمیل شده از سوی رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی به هزاران تن از مردم فقیر و محروم، شمار قربانیان مرگ و میر ناشی از خیابان خوابی و سرمازدگی در هفته های گذشته در تهران به ۱۱ مورد رسید.

کارگران هستند.

خصوصی سازی و آزادسازی واردات گسترده و قاچاق کالا یکی دیگر از موارد اعتراضی کارگران در حرکات اخیر می باشد. تقریباً در اکثر اعتراضات کارگری جاری، خشم و نفرت کارگران از طرح های جدید مجلس در زمینه قوانین کار، از جمله معافیت کارگران قراردادی از شمول قانون کار باعث اوج گرفتن اعتراضات کارگری گردیده است.



نکته دیگر قابل توجه در اعتراضات کارگری این است که کارگران ایران به دلیل دیکتاتوری نظام حاکم، دارای تشکیلات و اتحادیه های مستقل از ارکان دولتی نیستند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که ادعای حمایت از کارگران را می کنند، همگی وابسته به رژیم اند و به جز به انحراف کشاندن مبارزات کارگران، جلوگیری از گسترش دامنه آن و خاموش کردن این اعتراضات وظیفه ی دیگری ندارند. البته گرچه ما شاهدیم که اغلب این اجتماعات و اعتراضات به دنبال قول های مسئولین اداره کار و کارفرمایان و ماستمالی قضایا از طرف خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار پایان می گیرند، اما به دلیل تداوم شرایط استثمارگرانه و فشارهای هولناک ناشی از این شرایط، اعتراضات جدیدی از سر گرفته می شود. ■

باشند: تجمع کارگران کارخانه "الیاف" در جاده شهریار، اعتراضات کارگران "پارس الکترونیک"، کارگران محور شرق، داروسازی دکتر عبیدی، نختاب فیروزان، پشم و پتوی تبریز، ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز، تجمع اعتراضی کارگران شرکت ایران خودرو، صنایع فلزی، چرم آذر، کیان تایر، تجمع کارگران "سیمین نو" اصفهان، اعتراضات کارگران شهرستان ساوجبلاغ، چیت سازی گیلان، کارخانه "ذوب روی قشم" واقع در استان هرمزگان، کارخانه "آذرخش شاهرود"، کارگران نساجی کردستان در سنندج، کارگران واحد تولیدی یزد، کارخانه روغن نباتی "نرگس شیراز"، شرکت "نقش ایران" در قزوین، شرکت مینو، کارگران شرکت "اونگان" اراک و تحصن کارگران چینی "مهدی یزد" از جمله این حرکت های اعتراضی علیه شرایط طاقت فرسای کار و قوانین ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی در چند هفته اخیر بوده اند.

در غالب این حرکات اعتراضی و حق خواهانه، کارگران خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه ی خویش هستند. آنان به اخراج بی رویه کارگران معترض هستند و از شرایط ناامن و غیربهداشتی محیط کار خود رنج می برند. از سوی دیگر در این حرکات، کارگران خواهان لغو قراردادهای موقت و انحلال شرکت های پیمانکاری توسط وزارت کار می باشند که یکی از عوامل ایجاد و گسترش این نوع شرکت ها و در نتیجه از بین رفتن امنیت شغلی



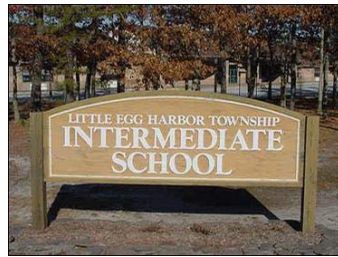
کارگران:

محتاج نان شب!

به دنبال ادامه تعطیلی کارخانه "قند یاسوج" و تداوم بیکاری کارگران زحمتکش این شرکت، کارگران که به دلیل عدم پرداخت دستمزد و بیکاری شدیداً در مضیقه افتاده اند، حتی توان



۲۰۰۴ به چند کمپانی های بانفوذ فلسطینی جواز واردات ۴۲۰ هزار تُن سیمان از مصر اعطاء گردیده است. اما تنها ۳۳ هزار تُن از آن سیمان به بازار فلسطین راه پیدا کرد. مابقی سیمان مورد بحث (۳۸۷ هزار تُن سیمان) به یک کمپانی اسرائیلی در "حيفا" حواله شد. گزارش مزبور روشن ساخت که چه مقدار از ۶ میلیون دلار سود حاصله از این معامله به جیب مقامات فلسطینی و واسطه های آنان واریز شده است ولی این گزارش چند کمپانی فلسطینی و منجمله برخی از کمپانی های متعلق به خانواده وزیر امور داخلی دولت خودگردان فلسطین، "جمیل تریفی"، را در این رابطه متهم ساخت. اگر چه عرفات پروژه حصارکشی مناطق فلسطینی نشین را محکوم کرده است، با این وصف، "عبدل ستار قاسم"، یکی از آکادمیسین های فلسطینی در شهر نابلس که تصمیم دارد مقامات دولت فلسطین را به دادگاه بکشاند، گفت: "افتضاح اخیر در رابطه با معامله سیمان نشان می دهد که تمامی اظهارات و بیانیه های مقامات دولت فلسطین علیه این حصارکشی، دروغی بیش نیست!" ■



گلوله باران یک مدرسه در آمریکا توسط جنگنده های نظامی!

هدف های نظامی، صدها مدرسه و بیمارستان و خانه را در عراق و افغانستان ویران کند! البته در طول تاریخ هر جا که دولت آمریکا به تجاوز نظامی و کشتار مردم بی گناه دست زده، همیشه ادعا کرده است که از پیچیده ترین و دقیق ترین سلاح ها استفاده کرده و اطمینان داده که غیرنظامیان در امان بوده اند. اما چه کسی این ادعاها را باور می کند؟! ■

یکی از جنگنده های اف-۱۶ آمریکا در روز سوم نوامبر در جریان یک تمرین آموزشی، یک مدرسه ابتدایی را در حومه نیوجرسی تیرباران کرد. بیش از ۲۵ گلوله به این مدرسه شلیک شده و از سقف آن به داخل کلاس ها اصابت کردند. خوش بختانه مدرسه تعطیل بود و مستخدمینی که مشغول کار بودند توانستند خود را از مسیر گلوله ها خارج کنند (در ضمن تروریستی در این مدرسه پنهان نشده بود!). هدف این جنگنده میدان تمرینی (به نام Warren Grove) در ۳،۵ مایلی این مدرسه بود. ساکنین محل (شهرک Little Egg Harbor) به خبرنگار آسوشیتدپرس گفته اند که همیشه به دلیل عدم اعتماد به دقت نظامیان نگران جان خویش بوده و هستند.



سوداندوزی از قبل ساخت دیوار نوار غربی

چند ماه قبل، اهالی ۲۰ روستای فلسطینی شکایت نامه ای را در اعتراض به دیوار ۷۲۵ کیلومتری حاشیه نوار غربی تهیه کردند. اما طرف شکایت آنها، نه دولت اسرائیل بلکه مقامات دولت "خودگردان" فلسطین، بودند. در این شکایت نامه آمده است که مقامات مزبور از قبل وارد کردن سیمان و سپس فروختن آن به مقاطعه کاران اسرائیلی دست اندر کار ساخت این دیوار، سود هنگفتی به جیب زده اند. "حسن خریشه"، معاون سخنگوی شورای مقننه دولت خودگردان فلسطین، به مجله "تایم" گفت که او گزارشی را در ارتباط با معامله سیمان به دادستان کل دولت فلسطین ارائه داده است. طبق این گزارش، در فاصله سپتامبر ۲۰۰۳ تا فوریه



در سال ۱۹۹۹ نیز در یک حائنه تقریباً مشابه، اصابت بمبی به جنگل های این منطقه موجب آتش سوزی عظیمی شد. در سال ۲۰۰۱ نیز منطقه بزرگ دیگری از جنگل به دلیل اصابت بمب، آتش گرفت. در ۲۰۰۲ نیز یک جت جنگنده در نزدیکی اتوبان سقوط کرد.

این نوع آبروریزی های ارتش آمریکا موجب برملا شدن دروغ های پنتاگون به مردم آمریکا در مورد "دقت و بی عیب بودن" سلاح و بمب افکن هایی است که ارتش آمریکا در عراق و افغانستان بر علیه مردم بیگناه استفاده کرده و می کنند. ارتشی که یک مدرسه را در داخل خاک خودش به اشتباه تیرباران می کند، باید هم در هدف گیری های به اصطلاح دقیقش! به سمت

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 208 – 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

